

پژوهش و نگارشی از سخی صمم:  
قضاء و چگونگی آفرینش عدالت  
قسمت چهاردهم  
\*\*\*

چالشهای عمده در عملکرد دوکار مسلکی دادگاه در راه تأمین عدالت:  
پژوهش و دریافت این مشکلات درونی را که در بُود و نبود عدالت قضائی در این پژوهش از اساسی ترین بخش آن است به بررسی می گیریم: مگر در آغاز:  
پژوهش: به معنای جستجو، تتبع، تفحص، بازرسی و تحقیق و تدقیق بوده.  
اما کاربرد و استعمال فرهنگی آن زیاد تر بر مجموع تحقیقات علمی اختصاص یافته است.  
چون پژوهش و تحقیق فعلی من در سطح قوه قضاء و محاکم نوبی الحکم متمرکز است، زانرومی توان مثال آن را در دوران سه مرحله ی احکام صادره محاکم و یا محاکم بدوی وسیله محاکم استیناف، مرافعه و در نهایت دادگاه عالی افغانستان جستجو نمود چون پرونده های مدنی و کیفری بمنظور بررسی، سلامت تطبیق احکام قوانین و تأمین عدالت قضائی تا سه مرحله جهت اطمینان از ایجاد عدالت تحت دوران قرار می گیرند و مورد ارزیابی و تدقیق قرار داده می شوند تا در ایجاد عدالت قضائی و تطبیق احکام قوانین اشتباهاتی رخ ندهد لهذا من هم از مفاد آن الهام گرفته و به موضوع خوینتر دقت و توجه می نمایم.

اکنون منکی و مرتبط به معنی و مفهوم پژوهش میخوایم تا اندازه از مشکلات درونی و یا خصلت کاری محکمه ذکری بمیان آورده تأکید نمایم که چنین کارها یعنی (اعمال و عناصریکه بر اثر این جستجو و بررسی هویدا می گردد) هرگز قابل ترک و رد نبوده بلکه پاره از آن مکلفیت قانونی و وظیفوی و درکنار آن وظیفه ایمان و وجدان شمرده می شود.

وظایف ذکر شده بشرط درک، احساس و رعایت قدسیت آن بمراتب سنگین تر و مبرمتر از سایر وظایف بوده محکمه و قضای بایست حاکمیت قانون و تأمین عدالت قضائی را در اساس کار خویش به نظر داشته و در این راستا آنچه در توان دارند بذل مساعی و در تحقق - داد و دهش عدالت قضائی و رساندن حق به صاحب حق و ستاندن حق مظلوم از ظالم واقعیت قدسیت محکمه را به اثبات رسانند.

برای محکمه و قضای وظیفه شمرده می شود تا با درک دقیق از این اصول و پابندی به پاکیزگی آن - با در نظر داشت توانائی کاری؛ آخرین تلاش و زحمات خود را بکار ببندند تا بتوانند از هر امکانات ممکنه برای بهبود کار و تأمین عدالت قضائی استفاده اعظمی نمایند.

ماهیت کار و عمل محکمه در راستای اجرائی شدن فرامینی شرع و قانون و مؤثریت آن در تأمین عدالت قضائی و ایجاد امنیت، نظام اجتماع، حفظ حقوق جامعه و افراد آن، رفاه اجتماعی و در نهایت رضائیت مردم ملاک دید و داوری قرار می گیرد .

واقعیت های عینی و تجارب تاریخی ملک و وطن ما گواه است که مردم و جامعه ما دارای خصایل بخصوصی در مسایل و روابط اجتماعی بین خود ها بوده و در گستردهگی بساط بعضی قضایا و دعاوی ایجاد شده - خیلی ها حساس و انتقامجو هستند و بویژه منازعات زمین و ملکیت ها، دعاوی و کشیدگی های خانوادگی، قتل، موضوعات ناموسی و غیره دارای عادات و خصایل خیلی ها سختگیرانه بوده و انتقامجو می باشند همینکه گفته میشود (حاکمیت قانون) رعایت این اصل ریشه در عدالت قضائی و اجتماعی دارد و عدالت زمانی تأمین میشود که از همان آوان پهن بساط دعوی برای احقاق حق در مسند قضاء از مقدمه تدویر آن تا نهایت تثبیت حق و ابرام آن (صدور حکم) مراحل اجرائات و اصول محاکمه با دقت و صداقت کامل در جهت تثبیت حق، شناخت و تشخیص ظالم از مظلوم رعایت گردد

میدانیم متهم از خود «حق» دفاع دارد و این حق از دیدگاه قانون، زندگی مدنی، حقوق بشر و مجموع نهاد های تثبیت حقوق و حفاظت از آن جایگاه ثابت عدالت پسندانه می گیرد که حق قانونی و بشری آنها محسوب و این حق توسط شخص متهم و یا وکیل مدافع آن اعمال میگردد.

میخواستم به عرض برسانم که نحوه و چگونگی استفاده و یا تأدیة این حق در صفحات محاکمه با در نظر داشت قضایای جزائی و دعاوی حقوقی با تأدیة فرصت و مدت بمنظور دفاع از حق و حقوق شان که یکی از راهای رعایت و ایجاد عدالت است که بدون آن طور دقیق عدالت خدشه دار و رسیدگی به قضایا و دعاوی قابل باور بوده نمی تواند.

ولی جان مطلب اینجاست که درین مباحث چرا های عدم وجود چنین اوامری چی بوده می تواند؟ مطالبه همین است تا این نکات برجسته گردد:

نکات برجسته ی مشکلاتیکه در نفس محکمه و داشته های شخصی قضات وجود دارد:

یک سلسله مشکلات و موانع یاد شده را میتوان به محکمه و قضات مرتبط دانست که بدون یافتن راه حل آن نمی توانیم به اهداف اصلی برسیم. من کوشیده ام این نکات را برجسته سازم.

**زُور و فهم قضات به قوانین و تجارب کافی در تشخیص احکام قوانین بویژه گُدمندی و جزاء:**

سلسله مشکلاتیکه قضایا، دعاوی و منازعات حقوقی به محکمه خلق می کند خیلی ها درد سر ساز ورنج آور می گردد که درین عرصه؛ عاملیت، فهم و دانش، درک و بینش، تجارب قضات و بالاخره رعایت دقیق احکام قانون برای حل و فصل آن اثر گذار می باشد، مگر رعایت دقیق احکام قانون از شرایط اولیه تأمین عدالت قضائی شمرده می شود؛ زیرا به من تجربه آموخته است که اکثرأ تلاش و زحمات محکمه مطابق تجویز قانون بویژه در راه اصلاح منازعات حقوقی قضیه بدون موجودیت مراتب ذکر شده بی اثر و بی نتیجه می ماند زیرا موقف نا سنجیده و پافشاری های نا معقول یکی از طرفین دعوی و یا جانبین دعوی سبب ایجاد چنین سروصداها و تراکم کارها و فزونی مشکل

محکمه میگرد که کوشش آن برای اصلاح دعاوی و رفع منازعات ایشان حاصل نمی دهد پس درین راستا چه راهی را در پیش گرفت و مبتنی بر کدام مصادر اصدار حکم نمود؟

درین رابطه لازم دیدم مطالب پائین را با وجودیکه در مباحث قبلی یادآوری گردیده است بار دیگر طور مؤجز و مختصر بنویسم و دقت خواننده عزیز را به آن معطوف دارم زیرا همین مطالب در نحوه و تأمین عدالت قضائی مؤثر و برای قضات اساس کار شمرده می شود.

**قانون مدنی و جزاء و تأثیر آن در قانون مند سازی سیستم قضائی افغانستان:**

زمانی در اجرائات، طرز فیصله و اصدار احکام قضائی محاکم افغانستان شیوه و اسلوب نوینی بکار گرفته شد که قانون مدنی و جزای کشور در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی مطابق سال ۱۹۷۷ میلادی نافذ و جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم نمود. و مجازات مرتکبین جرایم حدود، قصاص و دیت که احکام معین در نصوص شرعی دارند به احکام فقه حواله و به ماده اول قانون جزا نیز موضوع تصریح گردید.

از آنجائیکه اوامر احکام قوانین جدید (قانون جزا و قانون مدنی) به صفت عمده ترین قوانین در سطح مملکت به ارتباط جرم و جزا و نظام حقوقی کشور الزاماً قابل رعایت و به اجرا گذاشته شد افق روشنی در روند قانونمند شدن بهتر اجرائات محاکم و تقدیر و تعیین جزاهای تعزیری بر مبنای احکام قانون بوجود آمد و نتیجه آن شد که با رعایت احکام این قوانین با دستورات الزامی آنها دیگر گونیهایی مثبت در سیستم صدور فیصله های قضائی و استناد احکام محاکم به اساس اوامر احکام قانون بوجود آید که این امر به بطور سیستماتیک سبب تحولات قابل ملاحظه در ارگان قضائی کشور ما گردید و اجرائات قضائی قانونیت تازه بخود گرفت. و تحولات آنوقت در سطح قوه قضائیه افغانستان بابکار بستن داشته های این قوانین بانی و اساسگذار قانونیت جزاهای تعزیری تازه در مملکت دانسته شد.

اکنون بهتر میدانم به طور بسیار مؤجز و مختصر در باره این قوانین معلومات ارائه نمایم چون بر باور من حیطة تسلط قضات برین قوانین و رعایت دقیق احکام آن از طرف محاکم می تواند اساس ایجاد عدالت قضائی و رفع بسیاری از موانع درین راستا گردد اما وارد نبودن و عدم رعایت آن همان سهم مهم چالشهای است که به محکمه و قضات بر می گردد و من بار بار این موضوع را مکرر ساخته ام.

با حرمت سخی صمیم.

ادامه دارد.